

۱۶۲۶۸۸۸



پنجمه آبان ۱۳۹۷

برشکی و علوم زیستی در تمدن اسلامی

گردآورنده

پیترا ل. پورمن

ترجمه

دکتر قربان بهزادیان نژاد

استاد سابق دانشگاه تربیت مدرس

تهران، ۱۳۹۷



پزشکی و علوم زیستی در تمدن اسلامی

گردآوری: پیتر ای. پورمن

ترجمه: دکتر قربان بهزادیان نژاد

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیرنشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان، ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: چاپ تقویم

ردیف انتشار: ۸۳

۶۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (مع)، خیابان شه عباسپور، خیابان سنگاران، شهرور شرقی، شماره ۹

تلفن: ۳ - ۸۶۷۶۸۶۱، فکس: ۸۸۶۷۶۸۶۰

web: www.te.ac.ir

عنوان و نام پدیدآور: پزشکی و علوم زیستی در تمدن اسلامی / گردآوری (صحیح):

ویراستار [پیتر ای. پورمن، ترجمه قربان بهزادیان نژاد.

تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، شمارگان، ۱۳۹۷.

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

۹۷۸-۶۰۰-۷۳۹۸-۵۵-۵

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

کتاب حاضر ترجمه جلد دوم کتاب "Islamic medicine

یادداشت:

and scientific tradition: critical concepts in

Islamic studies, 2011 است.

اسلام و علوم -- تاریخ

موضوع:

Islam and science -- History

موضوع:

پزشکی عربی -- تاریخ

موضوع:

Medicine, Arab -- History

موضوع:

پورمن، پیتر ای، ۱۹۷۱ - م، ویراستار

شناسه افزوده:

Pormann, Peter E

شناسه افزوده:

بهزادیان نژاد، قربان، ۱۳۳۴ - مترجم

شناسه افزوده:

۱۳۹۷ پ/ BP۲۳۲۲

رده‌بندی کنگره:

۲۹۷/۴۸۵

رده‌بندی دیویی:

۵۳۲۲۲۷۴

شماره کتابشناسی ملی:

فهرست مطالب

*

سخن مترجم	۱۱
* لارنس ای. کنراد	
گامشمارهای طاعون و رساله‌های عربی (نوامل ریخ) و اجتماعی شکل‌گیری یک سبک در ادبیات) ..	۱۹
* گاری لایزر	
آموزش پزشکی در سرزمین‌های اسلامی از قرن هفتم تا چهاردهم	۶۹
* پیتر ای. پورمن	
گفت‌وگوی پزشکان یونانی‌مآب و عرب‌گرا: غفلت از میراث پزشکی عرب	۱۰۷
* پیتر ای. پورمن	
پزشک و دگر: شیادان در جامعه اسلامی دوره میانه	۱۵۱
* لارنس ای. کنراد	
اسامه‌بن منقذ و سایر شاهدان پزشکی فرهنگی و اسلامی در دوره صلیبی	۲۰۷

* هانس هاینریش بیسترفلدت

برخی دیدگاه‌ها دربارهٔ دستمزد پزشکی در جامعهٔ اسلامی دورهٔ میانه ۲۴۵

* باسم مسلم

جنین انسان در اندیشهٔ علمی و دینی ۲۴۷

* جولیا بومل

تولیدمثل زیست‌شناختی انسان در پزشکی پیامبری (ص) (پرسش درباره منشأ و تشکیل منی) ۲۸۷

* چارلز بورن

پزشکی روح: موسسهٔ روانی در اسلام و تأثیر آن بر پزشکی غربی ۳۰۱

* آمون شیلوا

سنت‌های موسیقی درمانی مسلمانان و یهودیان ۳۱۳

* پیتر ای. پورمن

دیدگاه رازی دربارهٔ منافع آمیزش جنسی (رازه، ۱۰۰۵ هجری که بین فلسفه و پزشکی در حرکت است). ۳۳۱

* امیلی ساواژ اسمیت

رسالة المذهب فی الکحل ابن نفیس دربارهٔ چشم‌پزشکی: درمان و واکسیناسیون ۳۴۹

* دیوید واینز

پرهیزانهٔ خوراکی در فرهنگ اسلامی دورهٔ میانه ۴۳۱

* لیک ان. بی. چیمین

چگونه داروهای ضد سرفهٔ مصری تأثیر دارند؟ ۴۵۷

* مکه کراک

کتاب الحيوان ابن أبي الأشعث: رویکرد علمی به انسان‌شناسی، خوراکی‌ها و جانورشناسی روشمند و

سازمان‌یافته ۴۸۳

* رابرت جی. هولند

تئومنستوس از نیکوپولیس: حنین بن اسحاق و آغاز علم دامپزشکی اسلامی ۵۳۵

* آنا اکسوی

تأثیر سنت عربی شکار و صیادی بر اروپای غربی ۵۵۵

www.ketab.ir

سخن مترجم

*

فرو رفتم به دریایی که نه پای و نه سر دارد	ولی هر قطره‌ای از وی به صد دریا اثر دارد
ز عقل و جان و دین و دل به کلی بی‌خبر گردد	کسی کز سر این دریا سر مویی خبر دارد
چه گردی گرد این دریا که هر کوه مردن افتد	از این ریا به هر ساعت تحیر بیشتر دارد
تو را با جانی ساد زاده نبود در این دریا	کسی این بحر را شاید که او جانی دگر دارد

عطار نیشابوری

نگارش مقدمه برای مجله‌ای که مقالات آن را پیتراي. پورمن پژوهشگر و صاحب‌نظر تاریخ علم از میان انبوه نوشته‌ها و مقالاتی انتخاب کرده که طی بیشتر از دو دهه توسط محققان برجسته تدوین شده، کاری بس دراز است؛ از این رو تنها یک دسته‌بندی کلی از موضوعاتی که مقالات این مجموعه پرشکوه را عاظم زیستی در تمدن اسلامی) بر آنها تمرکز دارد، ارائه می‌شود.

۱. تعامل و تبادل فرهنگی: بشر از روزگاری که معمى زیستن و یکجانشینی را تجربه کرد، به همان اندازه‌ای که بر تفاوت‌ها و تمایزها و آتوف یافت، به ضرورت همکاری و نیاز به دیگران آگاهی پیدا کرد. در فرایند شناختی و سکونت گروهی پزشکی و درمانگری نقش بایسته‌تری نسبت به دیگر عرصه‌ها است. و هر چه مناطق مسکونی وسعت می‌یافت، جریان همکاری و تعامل بیشتر می‌شد. با اندیش زدن رابطه‌ای بین مردم زیستگاه‌های نزدیک به هم شکل گرفت و به تدریج فراتر از مرزهای جغرافیایی و اعتقادی به وجود آمد. این رابطه گاه در قالب اتحادهای جنگی، زمانی به شکل رقابت قبایل، دربارها و پادشاهان و تلاش هر یک در جذب درمانگران و پیشگویان، دوره‌ای در چهره مهاجرت و پناهنده شدن و سکنی گزیدن سرآمدان نمایان بوده است. بر این اساس مطالعه جابه‌جایی اندیشمندان و حرکت علم (و پزشکی) همراه با آنان از یونان به ایران، از یونان، هند، ایران و غیره به جهان اسلام و از جهان اسلام به غرب (اروپا) و بار دیگر

از غرب به جهان اسلام (و خاورمیانه) بسیار جذاب و حائز اهمیت است و طبیعی است که پزشکی به دلایل گوناگون در این تبادلات نقش برجسته‌تری داشته است؛ چنان‌که کمپیل در یک کتاب جامع تأثیر پزشکی به زبان عربی بر اروپای دورهٔ میانه و پیامدهای آن را به بحث گذاشته است. او دو حوزهٔ شرق و غرب جهان اسلام و تأثیر پزشکان سرآمد آنها را به صورت جداگانه بررسی کرده است؛ که در این مقدمه دو نمایندهٔ اصلی آنها را به اختصار معرفی می‌کنیم.

الف. ابن‌سینا: ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق/ ۹۸۰-۱۰۳۷ م) که در غرب به ریسنا مشهور است. او یکی از نمایندگان اصلی فلسفه و پزشکی خلافت شرقی است. آنچه دربارهٔ وی می‌دانیم به‌طور عمده از زندگینامهٔ خودنوشت او به دست آمد است. وجود آنکه نوشته‌های پزشکی ابن‌سینا در سده‌های پس از وی بلامنازع بوده و اندیشهٔ مندان بزرگی به شرح و تفسیر آنها مبادرت می‌ورزیدند، اما در خلافت غربی جهان اسلام پس از او با اقبال مواجه نشد و پزشکان بزرگ آن سامان از جمله ابن‌زهر به ابن‌سینا و کتاب قانون وی بی‌توجهی نشان دادند. البته ابن‌سینا جزء اولین متفکرانی است که آثار الهی‌اش را بر نظم، قانون، نجات، شفا، زندگی خودنوشت و غیره به لاتین و زبان عبری ترجمه و منشأ تحولات زیادی شد. فلسفه و پزشکی ابن‌سینا آمیختگی بسیار زیادی (چنان‌که مرسوم دههٔ میانه است) با هم دارند. محققان فلسفه او را ارسطویی می‌دانند که بر افلاطونیان و نهان‌فلسوفانی چون آلبرت کییر و توماس آکویناس تأثیر گذاشته است.

دکتر مجتهدی دربارهٔ سیر اجمالی نفوذ اندیشهٔ اسلامی بر اروپا می‌نویسد: چهل سال پس از مرگ ابن‌سینا (وفات ۱۰۳۷)، شهر «تولدو» که بیش از یک قرن در دست مسلمانان بود و مسجدی فعال با کتاب‌های فراوان داشت، به دست مسیحیان شد. فاتحان دستور دادند این کتاب‌ها ترجمه شود. بدین‌سان دارالترجمه‌ای به سبک جهان اسلام دایر و آثار بسیاری از متفکران اسلامی به لاتین برگردانده شد و حتی شاید بتوان گفت اندیشه‌های برخی از متفکران از جمله ابن‌سینا و ابن‌رشد بیشتر ترجمه شده و تأثیر گذاشته است. بسیاری بر این باورند که تحت تأثیر اندیشه‌های ابن‌سینا در غرب مکتبی شکل گرفت که به ابن‌سیناگرایی شهره می‌باشد و گوندیسا لینوس آغازگر آن است.

به هر حال جریان‌های فکری که تحت تأثیر ابن‌سینا قرار داشتند، از یک سو به نوعی قائل به فلسفه اشراق و آمیخته با افکار عرفانی بودند؛ و از دیگر سو ترجمه‌های آزاد از آثار وی زمینه‌ای شد تا روشنگران نظرات و دیدگاه‌های خود را به نام ابن‌سینا ارائه کنند؛ بر همین اساس به باور دکتر مجتهدی یک ابن‌سینای مجعول در غرب شکل گرفت که با چهره واقعی تفاوت بسیار زیادی داشت.

به عبارت دیگر، در کنار تأثیری که بر متفکران و تأسیس نهادهای علمی جدید داشت، تمآدان و مخالفان سرسختی نیز یافت که اوج فعالیت آنها را در دوره منتهی به نوزاد مدرنیسم دید.

ب. ابن‌رشد: محمد بن احمد بن رشد اندلسی که به عربی ابوالولید بن احمد بن رشد خوانده می‌شد، در سال ۱۱۲۶م. در قرطبه (کوردوبای کنونی) اندلس چشم به جهان گشود و در دهم دسامبر ۱۱۸۸م. در مراکش چشم از جهان فرو بست. او در غرب به اورئوس شهرت دارد. ابن‌رشد را فیلسوف، پزشک و فقیه اندلسی می‌خوانند و بر این باورند که با ابن‌زهر پزشک نام‌آور غرب جهان اسلام دوستی داشت. او شرح‌های زیادی بر آثار ارسطو نگاشته، اما بسیار فائزاتر یک شارح معمولی عمل کرده است. برخی از آثار ابن‌رشد حدود یکصد سال پس از ابن‌سینا به لاتین ترجمه شد و تأثیر عمیقی بر جریان‌های فکری آن سامان گذاشت. جریان فکری ابن‌رشدگرایی را شکل داد؛ به همین دلیل افراد زیادی از جمله استاد رضا دایان، آکادمی‌کانی او را زمینه‌ساز تفکر رنسانس دانسته‌اند و دلایل آن را به شرح زیر برشمرده‌اند:

- از حقوق بشر به صورت عام و از حقوق زنان به صورت ویژه ای فاع می‌کرد؛
- به گذشته و تاریخ بدون تعصب نگاه می‌کرد؛
- نقاد و متواضع بود و در کار و نظر خود احتمال خطا می‌داد؛

.....

شگفت آنکه مسلمانان ابن‌رشد را از طریق اروپایی‌ها شناختند و به اهمیت و نقش او در جریان‌های فکری پی بردند. او را می‌توان تاحدی نماینده اندیشه‌ورزی در غرب جهان اسلام دانست و به دلیل نگاه نوافلاطونی که داشت مخالف جدی ابن‌سینا به

حساب آورد؛ که جای بحث آن در این مقدمه و در بضاعت نویسنده نیست. بدین سان می توان نتیجه گرفت که نقادان و مخالفان ایشان چندان زیاد نبوده و تأثیر بیشتری بر اروپا داشته است. به هر حال برخی از مقالات این مجموعه ضمن بحث کلی و تخصصی، این رابطه را برجسته ساخته اند؛ از جمله «گفت و گوی پزشکان یونانی مآب و عرب گرا: غفلت از میراث پزشکی غربی»؛ «اسامه بن منقذ و سایر شاهدان پزشکی فرنگی و اسلامی در دوره صلیبی»؛ «جنین انسان در اندیشه علمی و دینی»؛ «تولیدمثل زیست شناختی انسان در پزشکی پیامبری (ص) (پرسش درباره منشأ و تشکیل جنین)»؛ «پزشکی روحی: موسیقی درمانی در اسلام و تأثیر آن بر پزشکی غربی»؛ «سنت های موسیقی درمانی مسلمانان و یهودی ها»؛ «تئومنتوس از نیکوپولیس: جنین بن اسحاق و آواز علم دامپزشکی اسلامی»؛ «تأثیر سنت عربی شکار و صیادی بر اروپای غربی» و ...

۲. پزشکی و علم: ما می توانیم پیشینه بحث درباره جنین رابطه ای را به دوران باستان عقب برد و از قدیمی ترین ادبی که از آن روزگار بر جای مانده؛ یعنی مجموعه بقراطی بهره گرفت. این اثر جاودان پزشکی تمیزها را از تلاش های نظری و تجربی برای کشف ماهیت واقعی بیماری ها و درمان مناسب آنهاست. چنین آمیختگی در نوشته های جالینوس نیز که بر مشاهده و تجربه متکی است، دید می شود. دیگر متفکران سرآمد باستان یعنی سقراط و افلاطون نیز پزشکی را به مثابه عمل فنی با ملاحظات اخلاقی خوانده اند و ارسطو که بیشترین تأثیر را بر جامعه اسلامی داشته است، پزشکی را یک هنر مولد دانسته که تولید آن سلامت می باشد. به دیگر سخن، پزشکی با مسائل و دغدغه های همیشگی انسان نظیر سلامت، بیماری، رنج، حیات و مرگ سروکار دارد؛ به همین دلیل همواره از یک سو در تلاش بوده تا از مواهب طبیعی و ماوراء الطبیعی استفاده کند و راه را برای جاودان شدن آدمی هموار سازد؛ و از دیگر سو ادعاهایی مطرح کرده و در ظاهر برای تحقق آنها دست به تکاپو زده که به توجیه و تبیین نیاز داشته است؛ اعمالی که مطالعه آنها از حیث معرفت شناسی، روش شناسی و رویکردهای مشاهده ای و تجربی کاستی هایی دارد. بنابراین اگر به همین مختصر درباره این بحث پردامنه بسنده کنیم و این

باور مناقشه برانگیز «پزشکی مادر علوم است» را بدون بررسی رها سازیم، در می یابیم که: «چرا در دوره های باستان و میانه برای درمانگر شدن دانستن علوم که امروزه گاهی دانش های لیبرال خوانده می شوند؛ یعنی سخنوری، فلسفه، منطق، ریاضیات، موسیقی، کیمیا، نجوم و غیره ضروری بوده است؟ و وقتی از طیب نام برده می شد، اندیشورانی که فلسفه، کیمیا و درمانگری می دانستند به ذهن متبادر می شد؛ و چرا پاسخ به پرسش درباره چیستی پزشکی و جایگاه آن، به سؤال دیگری که پزشکی علم یا هنر است، منوط و مشروط می شود. پرسشی دیرین که پاسخ آن را باید در ادبیات کهن و واریش شرایط و روح فعالیت در پزشکی کونی جست».

بر همین اساس - چند دهه گذشته بحث های زیادی شکل گرفته و رشته های تخصصی چون فلسفه پزشکی، رابطه پزشکی و فلسفه در مراکز تحقیقاتی بزرگ تأسیس شده است. به هر حال فیلسوفان علم و پزشکی در پاسخ به این پرسش به سه گروه تقسیم شده اند. - گروهی پزشکی را علم می دانند و در نتیجه آن را در زیرمجموعه فلسفه و تاریخ علم بررسی می کنند. قائلان به این امریه در پاسخ به اینکه عمل پزشکی چه وضعیتی دارد، تبیین قانع کننده ای ندارند.

- گروه دوم با استناد به عمل پزشکی و بدون در نظر داشتن علوم شکل دهنده آن نظیر فیزیولوژی، کالبدشناسی، آمار، میکروبیولوژی و غیره پزشکی را هنر می خوانند. - دسته سوم پزشکی را علم و هنر و یا هنر علم می نامند و در توجیه این نظر دو بُعد و حتی سه وجه متفاوت پزشکی (نظریه و علوم، تشخیص و درمان) یعنی وجه علمی، فناوری و نیز فن را به بحث می گذارند. بدین سان این پرسش مطرح می شود که در گذر زمان نسبت علم و هنر چگونه بوده و چه عبارتی داشته است؟ برای روشن شدن این مدعا باید یادآوری کرد که معنای واژگانی که در این سخن کوتاه به کار رفته، در عصر مدرن نسبت به دوره باستان (و میانه) تغییر زیادی کرده است. برای مثال، در گذشته پزشکی با بیماری مقابله می کرد، در حالی که در عصر حاضر به دورنمای صلح و سلامت هم نظر دارد. همچنین اگر در دوره میانه، بیماری «شرّ مابعدالطبیعی» خوانده می شد، امروزه در نسبت با مرگ معنا می شود و به همین دلیل درمان معنا پیدا می کند؛ و یا زبان پزشکی قدیم زبان علایم بود و امروز به

کمک تکنیک و تکنولوژی عمل می‌کند. نکتهٔ دیگر اینکه در گذشته بیماری «عدمی» تعریف می‌شد، اما در جهان کنونی بیماری را به‌روشنی می‌توان دید و شناخت. بدین‌سان درمی‌یابیم که برای این پرسش‌ها و سؤال‌هایی نظیر آنها پاسخ‌های روشن و واضحی نداریم؛ زیرا اولاً مبانی دو پزشکی قدیم و جدید و نگاه آنها به هستی و جهان متفاوت است؛ ثانیاً در دوره‌های باستان و میانه تعریف روشنی بین علم و هنر وجود نداشته است.

قاعده، درمان توسط جادوگران بوده است که باورمندان به مذاهب مختلف مانع از فعالیت آنها می‌شدند و حتی به مجازات آنها مبادرت می‌ورزیدند.

برخی از مقالات این مجموعه از جمله «تولیدمثل زیست‌شناختی انسان در پزشکی پیامبری (ص) (پرسش درباره منشأ و تشکیل منی)»، «پزشک و دگر: شیادان در جامعه اسلامی دوره میانه» و غیره با ارائه برخی نمونه‌های تاریخی، در عمل همین معنا را برجسته می‌سازند.

۴. پزشکی و مسائل اجتماعی: درمانگری و پزشکی همواره با مسائل اجتماعی پیوند عمیق داشته و دارد؛ زیرا از یک سو سلامت محصول تعاملات اجتماعی گوناگون است که همه شئون زندگی از قبیل نگاه به جهان، چگونگی رفتار با خود و دیگران، خوراک، لباس و غیره را دربر می‌گیرد؛ و از سوی دیگر برای دستیابی به سلامت در دوره‌های باستان و میانه از طبیعت و عناصر الهی به بهره می‌گیرد و در عین حال در صدد و تلاش است تا با تبیین فلسفی و اعتقادی به سبب اعمال خویش پردازد و وظایف و مسئولیت‌های خاص تعریف کند و خود را بر آن اساس بنیان بگذارد. بر این اساس در این مجموعه نیز مقالاتی چون «پزشک و دگر: شیادان در جامعه اسلامی دوره میانه»؛ «آموزش پزشکی در سرزمین‌های اسلامی از قرن هفتم تا چهارم»؛ «برخی دیدگاه‌ها درباره دستمزد پزشکی در جامعه اسلامی دوره میانه»؛ «گاه‌شمارهای طالع و رساله‌های عربی (عوامل تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری یک سبک در ادبیات)» و غیره، مطرح گرفته شده است.

در پایان جا دارد از دوستان فرهیخته‌ای که در پدیدار این اثر دست یاری مترجم را فشردند؛ به‌ویژه از جناب آقای دکتر صادق حیدر و جناب آقای دکتر خندق‌آبادی که در تمام مراحل بنده را همراهی کرده‌اند و جناب آقای دکتر عباس بصیری که قسمت‌های عربی را با متن انگلیسی ترجمه شده تطبیق داده‌اند، سپاسگزاری کنم. همچنین جا دارد سپاس خالصانه و صمیمانه خود را به حضرت حجة الاسلام والمسلمین سیدهادی خامنه‌ای رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام، جناب آقای خلیل قویدل مدیر انتشارات و سرکار خانم ملیحه سرخی ویراستار این مجموعه تقدیم کنم؛ که در انتشار این اثر مساعدت کردند.